



نوشته: سید صدر الدین صدر.

ناشر: دارالزهراء، بیروت.

شماره صفحه ها: 255.

سید صدر الدین صدر، از زعمای شیعه است. وی، در سال 1299 ه. ق. در کاظمین، دیده به جهان گشود و در مهد تربیت پدر بالید و تحصیلات ابتدایی و سطوح را در سامراء و کربلا، نزد اساتید بزرگی، چون: شیخ حسن کربلایی، آقا ضیاء الدین عراقی و... فرا گرفت. در سال 1329 ه. ق. به سفارش پدر، به نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا، مدتها از محضر درس آخوند خراسانی و میرزای نائینی بهره برد.

در سال 1349 ه. ق. به مشهد مشرف شد و در آن جا اقامت گزید و به تدریس و رسیدگی به امور مردم و... پرداخت. پس از مدتی، به درخواست، مؤسس حوزه علمیه قم، شیخ عبدالکریم حائری، به قم مشرف شد و در حوزه علمیه قم، جایگاه رفیعی یافت.

ایشان آثار فراوانی دارد(52). از جمله آنها کتاب ارزشمند المهدی است.

مؤلف، به منابع اصلی حدیث و تاریخ که معروف به وثاقت و مورد اطمینان و اعتمادند، تکیه دارد و بحث دقیق و عمیقی را پی می گیرد و به بسیاری از شبهات پاسخ می گوید. کتاب، در يك مقدمه و هشت فصل و خاتمه، تنظیم شده است. وی درباره انگیزه تألیف کتاب می نگارد:

(در مجلس دوستانه ای، از مهدی منتظر(عج) و آنچه شیعه امامیه اثنا عشریه، در این باب، بدان معتقدند، سخن به میان آمد. برخی از حاضران در مجلس، اظهار داشتند، برادران اهل سنت، در این موضوع، چه عقیده ای دارند. آیا از طریق آنان، احادیثی که موافق احادیث شیعه باشد، وارد شده و دانشمندان آنان، نوشته ای دارند، یا خیر. در پاسخ گفتم: از طریق اهل سنت، احادیث مستفیضه، بلکه متواتره وارد شده و علمای آنان در این باب تألیفات زیادی دارند. البته بعضی منافشات و استبعاداتی نیز دارند که از گذشتگان خود گرفته اند و میان آنان، رواج یافته و به تألیفات آنان، با اختلاف در تعبیر، سرایت کرده است.

بعضی از حاضران در مجلس گفتند: برای شما امکان دارد در این موضوع کتابی بنویسید گفتم: پرداختن به این مسأله، سبب جریحه دار شدن عواطف می شود و این را نمی پسندم، بویژه مثل این زمان که ما، نیاز شدیدی به وحدت کلمه داریم. گفتند: بحث علمی، با حفظ آداب مناظره و خارج نشدن از آداب و اخلاق اسلامی، اشکال ندارد. از این روی پذیرفتم در این باب، کتابی بنگارم.

آن گاه پس از مطالعه کتابهایی که در دسترس بود، احادیث مربوط به موضوع را ذیل عنوان مناسب، گردآوری کردم. اگر حدیثی، بر چند عنوان دلالت داشت، آن را زیر هر يك از عناوین، آوردم.

در نقل روایات، بر کتابهایی که در چاپخانه های اهل سنت به طبع رسیده بود، یا آثار مخطوطی که اعتبار آنها مسلم بود، اکتفا کردیم و جز اندکی از کتابهای چاپ شده در ایران، نقل نکردم. عنایت داشتیم، مطالبی را گرد آوریم که از کتابهای اهل سنت و مورد اعتماد آنان باشد. از علمای شیعه و منابع شیعی که احادیث نبوی را از طریق اهل سنت نقل کرده اند، حدیث نقل نکردم، مگر مقداری از کتاب: الدر الموسویه فی شرح العقاید الجعفریه، تألیف حسن صدر کاظمی، به خاطر ادای بعض حقوق و تأیید مطالب).

در پایان مقدمه می نویسد:

(خدا را شاهد می گیرم، من، به دیده انصاف به احادیث و سخنان سلف صالح نگرستم و بر آن رویه مشی کردم که اعتقاد خود را با دلیل منطبق سازم، نه این که دلیل را بر اعتقاد منطبق سازم).

تحت عنوان نظره اجمالی، به کتابهایی که بزرگان اهل سنت، درباره مهدی(عج) نگاشته اند، اشاره می کند و مستفیض و

متواتر بودن روایات پیامبر(ص) درباره حضرت مهدی از دیدگاه اهل سنت می نمایند:.

(... قال ابن حجر في (الصواعق) قال ابوالحسين الابري قد تواترت الاخبار واستفاضت بكثره روايتها عن المصطفى(ع) بخروج المهدي وانه من اهل البيت.(53).

ابن حجر، در الصواعق، از ابوالحسين الابري نقل می کند: روایات متواتر و مستفیض در بسیاری روایان از پیامبر(ص) بر ظهور مهدی(عج) و این که از اهل بیت است، رسیده.

(... قال الشبلنجي في (نوالابصار) تواتر الاخبار عن النبي(ص) ان المهدي من اهل بيت وانه يملأ الارض عدلاً.(54).

شبلنجي در نور الابصار، گفته است: اخبار نقل شده از پیامبر(ص)، مبنی بر این که مهدی، از اهل بیت و زمین را پر از عدل می کند، متواتر است.

آن گاه، سخنان دیگری که بر تواتر و استفاضه اخبار مهدی(عج) دلالت دارد، می آورد و می نویسد: اگر از سخنان صریح این گواهان چشم ببوشیم و به احادیث از حیث سند و دلالت نظر افکنیم، روایات، سه دسته اند:

1. روایات صحیح از نظر سند و بی اشکال از نظر دلالت. ائمه حدیث و بزرگان حفاظ بر صحت و حسن بودن آنها تصریح کرده اند. در وجوب عمل و اخذ این دسته از روایات، تردیدی نیست.
2. روایاتی که از نظر سند، صحیح نیستند، ولی دلالت آنها روشن است و قواعد مقرر در علم رجال، این دسته از روایات را، از آن جهت که به واسطه دسته اول جبران می شوند و اجماع بر مضمون آنهاست، معتبر می شمارند.
3. روایات صحیح و ضعیفی هستند که مخالف عموم احادیث متواتر و مستفیضه اند که اگر تأویل آنها، ممکن نباشد، طرح و اعراض از آنها لازم است. مثل روایاتی که دلالت می کنند که اسم مهدی، احمد است و اسم پدرش، عبدالله. یا این که از اولاد ابي محمد الحسن زكي است. مطالب هشت فصل کتاب، بدین شرح است:.

فصل اول، درباره بشارتهایی که بر ظهور مهدی(عج) در کتاب خدا، سنت پیامبر(ص)، سخنان علی(ع) و بزرگان و اعلام، در قالب نظم، یا نثر وارد شده است.

فصل دوم، مهدی منتظر عرب و از امت پیامبر(ص) است و بیت شریف و خانواده وی، مشخص بوده و شواهد بسیاری بر این، دلالت دارند.

فصل سوم: ویژگیهای ظاهری و باطنی، ملکات فاضله، دانش، قضاوت، بیعت، حکومت، اصلاحات و...

فصل چهارم، مقام و منزلت حضرت نزد خداوند و...

فصل پنجم، ولادت، تعیین اسم، لقب، کنیه، نام پدر، مادر، طول عمر شریف و...

فصل ششم، چگونگی غیبت، محل غیبت، علت غیبت، چگونگی بهره مندی مردم از حضرت در زمان غیبت و...

فصل هفتم، نشانه های آسمانی و زمینی ظهور، جو عمومی جهان، خروج سفیانی و...

فصل هشتم، فضیلت انتظار فرج، نهي از تعیین زمان ظهور، محل ظهور، بیعت، شمار یاران و...